

داستان‌هایی برای فکر کردن

(سی داستان، سی مضمون)

نوشته

رابرت فیشر

ترجمه

سید جلیل شاهری لنگرودی



ژوئیه مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۸۹

سرشناسه: فیشر، رابرت، ۱۹۴۲ - Fisher, Robert

عنوان و نام پدیدآور: داستان هایی برای فکر کردن: (سی داستان، سی مضمون) / نوشته رابرت فیشر؛ سید جلیل شاهری لنگرودی

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص.

فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸۹.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۶-۴۲۷-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Stories for Thinking, 1996

یادداشت: چاپ سوم

یادداشت: چاپ قبلی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ (بیست و ۲۲۰ ص).

موضوع: آموزش - راهنمای آموزشی (ابتدایی)

موضوع: اندیشه و تفکر خلاق در کودکان

موضوع: شناخت در کودکان - راهنمای آموزشی (ابتدایی)

موضوع: فلسفه - راهنمای آموزشی (ابتدایی)

شناسه افزوده: شاهری لنگرودی، سید جلیل، ۱۳۳۹ - مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: LB ۱۰۶۰ / ۹ د ۲ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۳۷۰/۱۵۲۳

شماره کتاب شناسی ملی: ۲۰۶۱۵۷۴



داستان هایی برای فکر کردن

مؤلف: فیشر، رابرت

مترجم: سید جلیل شاهری لنگرودی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانیچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

آماده سازی قلم: امیر خرم

حروف چین و صفحه آرا: اعظم صادقیان

ویراستار: فریبا روشنفکر

طرح و اجرای جلد: اعظم صادقیان

چاپ اول: ۱۳۸۶ چاپ سوم: ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: فرشویه

ردیف انتشار: ۸۹-۲۴

بها: ۳۵۰۰ تومان

ISBN 978-964-428-447-4

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۴۴۷-۴

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۸۸۰۴۶۸۹۱-۳، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

فهرست

نه	پیشگفتار بر چاپ سوم
یازده	پیشگفتار مترجم
۱	مقدمه
	۱. خشم
۲۹	(داستان گلرت - از افسانه‌های ولز)
	۲. حقوق حیوانات
۳۳	(بودا و قو - داستان بودایی)
	۳. زیبایی
۳۷	(دو نقاش - اقتباس از هرودوت، موزخ یونان)
	۴. زورگویی
۴۱	(ماجرای رویارویی فینکل با یک قلدر - افسانه ایرلندی)
	۵. تغییر
۴۵	(مسخ - اقتباس از ابتدای داستان مسخ اثر فرانزس کافکا از چک)
	۶. جرأت و ترس
۵۰	(شاهزاده سانا - افسانه‌ای از سودان)
	۷. مرگ
۵۵	(پسری که می‌خواست همیشه زنده بماند - قصه‌ای عامیانه از ایتالیا)
	۸. انصاف
۶۰	(کارگران در باغ انگور/تاکستان - حکایتی از عهد جدید، انجیل متی)
	۹. آزادی
۶۴	(ویلیام تل - افسانه سوئیسی)
	۱۰. دوستی

شش داستان‌هایی برای فکر کردن

- ۶۸ (خرسی که حرف می‌زد - از حکایت‌های اخلاقی اسوپ/کانادا)
۱۱. ارواح
- ۷۳ (حکایت فراموش‌نشده‌نی کاترین هوارد - حکایتی از تاریخ انگلستان)
۱۲. خیر و شر
- ۷۸ (خیر در شر، شر در خیر - حکایتی چینی)
۱۳. خوشبختی
- ۸۲ (پیرزنی در بطری سرکه - حکایتی اروپایی)
۱۴. امید
- ۸۶ (جعبه پاندورا - افسانه یونانی)
۱۵. دانش
- ۹۰ (خرگوش‌های ترسو - قصه‌ای عامیانه از هند)
۱۶. عشق
- ۹۵ (داستان «نقش درخت بید» - حکایتی از چین)
۱۷. شانس
- ۱۰۰ (برنده اسب‌جنگیان - اقتباس از داستانی از دی. ایچ. لاورنس)
۱۸. حافظه
- ۱۰۵ (اؤن چلما - قصه‌ای عامیانه از زامبیا)
۱۹. راز
- ۱۱۰ (راز ماری سلسبت - حکایتی از انگلستان)
۲۰. اسم‌ها
- ۱۱۴ (گریه‌ای که نامش را حفظ کرد - قصه عامیانه انگلیسی)
۲۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها
- ۱۱۸ (پسری که همیشه سؤال می‌کرد - قصه عامیانه اروپایی)
۲۲. واقعی و غیرواقعی
- ۱۲۳ (سوپ میخ - حکایتی از سوئد)
۲۳. اسرار
- ۱۲۸ (رامپل استیلتس‌کین - قصه‌ای عامیانه از آلمان)
۲۴. دزدی

- ۱۳۳ (لاله سیاه - قصه‌ای عامیانه از هلند)
۲۵. داستان‌ها
- ۱۳۸ (عنکبوت آنافسی - قصه‌ای عامیانه از هند غربی)
۲۶. زمان
- ۱۴۲ (ویپ‌ون وینکل - اقتباس از داستانی از واشینگتن ایروینگ)
۲۷. حقیقت
- ۱۴۷ (حقیقت ندارد! - قصه‌ای عامیانه انگلیسی)
۲۸. خواست‌ها و نیازها
- ۱۵۱ (یک انسان به چه مقدار زمین نیاز دارد؟ - داستان روسی)
۲۹. من که هستم؟
- ۱۵۵ (آینه «کم» - قصه‌ای عامیانه از کره)
۳۰. خرد و یادگیری
- ۱۶۰ (استاد و ناخدای دری - قصه‌ای عامیانه از هند)

پیشگفتار بر چاپ سوم

استفاده از کتاب داستان‌هایی برای فکر کردن در کلاس‌های فبک (فکرپروری برای کودکان و نوجوانان) و مشاهده واکنش‌های کودکان و نوجوانان و نیز نظرخواهی از معلمان این کلاس‌ها، مترجم کتاب را برآن داشت تا چاپ سوم کتاب را با ویرایش و بازبینی کامل ارائه دهد. در طول این روند، احساس شد بعضی واژه‌ها برای کودکان و نوجوانان دشوار است. از این رو، در این چاپ، تا آنجا که امکان داشت، برخی از آنها در متن با واژه‌ها و عبارت‌های ساده‌تر عوض شد؛ اما برای اینکه از روانی و سلاست متن – که به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل در استقبال بی‌نظیر از چاپ‌های اول و دوم کتاب بود – کاسته نشود، برای بسیاری از واژه‌ها و عبارت‌ها و جمله‌ها، معادل یا توضیحی در پاورقی اضافه شد. انتظار می‌رود که با روش اخیر، دو نیاز برآورده شده باشد: هم این امکان برای کودکان و نوجوانان فراهم آمده باشد که با مراجعه حداقل به دیگران و شاید حتی به تنهایی بتوانند داستان‌ها را بخوانند و محتوای آنها را دریابند؛ و هم دامنه واژگانشان گسترده‌تر شود. توضیح واژه‌های به نظر دشوار برای کودکان و نوجوانان و یا ارائه معادل‌هایی برای آنها، قسمت‌های بعد از داستان («تأملی در داستان» و «تأملی درباره مفهوم و مضمون داستان») را هم دربر می‌گیرد تا سؤال‌ها نیز برای کودکان و نوجوانان مفهوم باشد و آنها از پیش به پاسخ‌های پرسش‌ها بیندیشند و به نتایجی که از تدوین و چاپ کتاب مدنظر بوده است، برسند. امید است که با این ویراست، کتاب بیش از پیش برای کودکان و نوجوانان، معلمان، و والدین مفید افتد.

در پایان، از جناب آقای دکتر آیت‌اللّٰهی – رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی – و جناب آقای زعفرانچی – رئیس محترم انتشارات پژوهشگاه – که امکان چاپ سوم کتاب را فراهم آوردند، و نیز از گروه فبک پژوهشگاه که نظرهای معلمان و نه

ده داستان‌هایی برای فکر کردن

واکنش‌های کودکان و نوجوانان در کلاس‌های فیک را به اینجانب انتقال دادند، همچنین از سرکار خانم اعظم صادقیان که با دقت و حوصله بی‌مانند و همیشگی خود، موارد ویرایشی کتاب را در متن آن اعمال کردند، بسیار سپاسگزارم.

هجدهم خردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و نه

سیدجلیل شاهی لنگرودی

پیشگفتار مترجم

از تفاوت‌های عمده آموزش جدید - که در بسیاری از ممالک دنیا اجرا می‌شود - و آموزش سنتی، یکی این است که در اولی، متن درسی و آنچه معلم در کلاس می‌گوید، محرّکی برای فکر کردن است و به عبارت دیگر در این نوع آموزش، تعلیم و یادگیری همزمان با ارائه درس صورت می‌گیرد؛ برخلاف نوع دوم که در آنجا متن درسی اصل قرار می‌گیرد و آنچه از دانش آموز خواسته می‌شود، محفوظاتی است که در حافظه کوتاه مدت بچه‌ها قرار دارد و بعد از امتحان هم فراموش می‌شود.

دیگر از تفاوت‌ها این است که در آموزش جدید، معلم سخنگوی کلاس نیست آن چنان که فقط او حرف بزند و دانش آموزان بشنوند. درواقع، در این نوع آموزش، مکان آموزش از حالت کلاسی بیرون می‌آید و شکل حلقه می‌گیرد. در این حلقه، معلم و بچه‌ها بدون برتری موقعیتی در یک ردیف قرار می‌گیرند و بی آنکه کسی بر دیگری برتری داشته باشد، تعلیم با بحث و گفت‌وگو پیش می‌رود. از آنجا که محیط آموزش شکل حلقه دارد، بچه‌ها احساس راحتی می‌کنند و نظرها و پیشنهادهای خود را بدون ترس و ملاحظه ابراز می‌دارند.

تفاوت بعدی این است که بچه‌ها یاد می‌گیرند سؤال کنند از «چیستی» و «چرایی» آنچه گفته می‌شود - حتی اگر گوینده آن معلمشان باشد؛ یاد می‌گیرند هرچه را که می‌خوانند، بدون تأمل و تفکر نپذیرند و سؤال کردن برای آنها عادت می‌شود؛ و چه بسا در همین سؤال کردن‌ها مسائل جدیدی پیش کشیده می‌شود و نتایجی به دست می‌آید که موضوع یا متن جدیدی برای تعلیم می‌شود.

در این نوع آموزش، همه از تجربیات یکدیگر بهره می‌برند و همه در تهیه متن درسی سهیم‌اند.

دانش، یادگیری، و تفکر

به اعتقاد دانشمندان امروز، دانش عبارت است از آنچه یک نفر دریافت می‌کند؛ در نتیجه، دانش، انباشتن اطلاعات نیست بلکه طرح‌ریزی دوباره آنها در درون ساختارهای نظری تازه است. حقایق فقط از نگاه بیننده است که حقایق می‌شود. رابرت کارپلاس^۱ - فیزیکدان دانشگاه کالیفرنیا، برکلی^۲ - معتقد است که اهمیت این نوع فکر کردن آنقدر زیاد است که باید آن را به بچه‌ها یاد داد از زمانی که خیلی کم سن و سال‌اند و قبل از آنکه این تفکر مخرب در ذهنشان شکل بگیرد که دانش تغییرناپذیر است.

یکی از پژوهشگران، در طی بررسی خود در این باره که معلمان و دانش‌آموزان چگونه وقت خود را در کلاس درس سپری می‌کنند، به این نتیجه رسیده است که حتی در کلاس‌هایی که از نظر ناظران خوب ارزیابی شده است، قسمت اعظم وقت کلاس صرف فعالیت‌های همیشگی و معمول «کنترل کلاس» می‌شود و زمانی که برای یادگیری سازنده^۳ اختصاص می‌یابد، فوق‌العاده کم است.

به عقیده جرومی برونر^۴، مهم نیست چه چیزی یاد گرفته می‌شود. مهم این است که با آنچه یاد گرفته می‌شود، چه می‌توان کرد. برای کمک مؤثر به بچه‌ها باید دانش‌آموزان را تشویق کرد به آن طرف دیوار یادگیری که فکر کردن است، جهش کنند. باید پذیرفت که کسب دانش در کلاس‌های درس، فعالیت منفعل است. به جای آنکه به دانش‌آموزان یاد بدیم چگونه به سؤال‌ها جواب دهند، بهتر است به آنها بیاموزیم چگونه سؤال کنند؛ به جای اینکه از آموخته‌های دانش‌آموزان آزمون بگیریم، بهتر است از این زاویه آنها را ارزیابی کنیم که آنها از آنچه آموخته‌اند، چه می‌توانند تولید کنند.

یکی از اهداف اصلی یادگیری باید این باشد که یادگیرنده را از یادگیری بعدی رها کند. این حرف ممکن است عجیب و نقیض به نظر برسد؛ ولی این طور نیست؛ هدف از یادگیری باید این باشد که آنچه یاد می‌گیریم، به طریقی صورت گیرد که به بیشترین حد ما را از آنچه یاد گرفته‌ایم، عبور دهد و به مرحله دیگری برساند. مثال ساده‌ای در این مورد، درباره ارتباط

1. Robert Karplus

2. University of California, Berkeley

3. productive learning

4. Jerome Bruner

بین دو عمل ریاضی جمع و ضرب است. اگر مفهوم جمع به طور عمیق درک شود، لزومی به یادگیری ضرب نیست، زیرا ضرب در اصل فقط تکرار چند عمل جمع است؛ و به اعتقاد ما، در برنامه درسی، ضرب واحد جداگانه‌ای نیست.

یادگیری در صورت کلی آن، پرش از یک مانع است که در طرف دیگر این مانع، فکر کردن است. از این زاویه می‌توان درک کرد که مسائل جدیدی که با آنها روبه‌رو می‌شویم، الگوهای هستند از همان اصول قدیمی که بر آنها تسلط داریم.

به اعتقاد ویلیام جیمز^۱، یادگیری عام^۲ - و این نوع یادگیری است که کمک می‌کند یادگیرنده از سد یادگیری بگذرد و وارد پروسه فکر کردن شود - دو ویژگی جالب دارد: یکی از آنها سازماندهی و دیگری به کارگیری ماهرانه است. اگر قرار باشد از یادگیری گذشته خود بهره ببریم، باید آن را به گونه‌ای سازماندهی کنیم که دیگر به شرایط خاصی که در آن یادگیری رخ داده است، وابسته و مقید نباشد. مثالی از تاریخ علم می‌زنیم. برای گالیله خیلی راحت بود کتاب راهنمایی تدوین و چاپ کند که در آن فاصله‌ای که هر جسم در سقوط آزادش در واحد زمان طی می‌کند، به شکل جدول ارائه شود؛ و در این صورت، بچه‌های مدرسه تا قرن‌ها بعد باید برای به خاطر سپردن این جداول گالیله شکنجه می‌شدند. این جداول با اینکه تمامی اطلاعات ضروری درباره سقوط آزاد اجسام را در خود داشت، بسیار دست‌وپاگیر و به کارگیری آن بسیار دشوار بود. اما آنچه گالیله کرد، این بود که بین این اطلاعات رابطه‌ای ایجاد کند و این انبوه اطلاعات را در قالب یک فرمول مختصر ارائه دهد: حتماً فرمول کم‌حجم و جمع‌وجور $s = \frac{1}{2}gt^2$ یادتان هست. با این فرمول، نه تنها همه آن کتاب‌های راهنمای احتمالی خلاصه شد، بلکه اطلاعات موجود در آنها به طریقی سازماندهی شد که امکان به کارگیری ماهرانه آنها فراهم آمد. اینک نه تنها از فواصلی که اجسام سقوط می‌کنند، آگاهییم، بلکه دانشی داریم که با استفاده از آن می‌توانیم فاصله اجسام را در هر جایی که سقوط می‌کنند - در هر نیروی جاذبه‌ای (نه فقط نیروی جاذبه زمین) - به دست آوریم.

یکی از نکات مهم درباره مغز انسان، گنجایش محدود آن است. مدت‌ها است که به این

۱. William James: فیلسوف و روان‌شناس امریکایی (۱۸۹۰-۱۸۹۲م.).

چهارده داستان‌هایی برای فکر کردن

نتیجه رسیده‌اند مغز انسان در یک زمان خاص فقط حدود هفت مقوله اطلاعاتی مجزا را می‌تواند در خود نگه دارد. به دلیل همین محدودیت نمی‌توان انبوه زیادی از اطلاعات را به کار گرفت بلکه باید آنها را فشرده و رمزگذاری کرد.

پاداش یادگیری این نیست که موجبات خرسندی معلمان یا والدین را فراهم آورد و یا بچه‌هایی داشته باشیم که می‌توانند خوب امتحان دهند، بلکه بزرگ‌ترین جایزه و ارزشمندی یادگیری این است که به ما بیاموزاند از آنچه یاد گرفته‌ایم، چه بهره‌ای ببریم، و به ما یاد دهد از مرحله یادگیری به مرحله فکر کردن برسیم.

ادبیات، هنر، و داستان

اگر ادبیات را به گونه‌ای بخوانیم و آثار هنری را به طریقی نگاه کنیم که به کمک آنها بتوانیم فکر کنیم، به درکی عمیق‌تر و سازنده‌تر می‌رسیم، به اصلی بنیادی و زیربنایی که به ما قدرت می‌دهد در فکر خود از ادبیات و هنر استفاده کنیم و آنها را فقط توده انباشته‌ای از دانش ندانیم. ادبیات و هنر، ماهیتی استعاری دارند و شاید بهترین توصیف آنها این باشد که آنها را اسطوره‌های هدایتگر بنامیم.

بگذارید مثالی از داستان‌های اسطوره‌ای یونان بزنیم. می‌توان به داستان پرسئوس^۱ و کشتن مدوز^۲ نفرت‌انگیز به‌دست او فقط به‌عنوان یک داستان معمولی نگاه کرد و اینکه مدوز با بیرون‌کشیده‌شدن شمشیر پرسئوس از غلاف آن و با انعکاس تصویرش برروی تیغه براق آن، به سنگ تبدیل شد^۳. اما ورای هر داستان بزرگی، مفهوم استعاری عمیق‌تری نهفته است. تیغه براق می‌تواند نشانه یا سمبل همه تدابیری باشد که ما را قادر می‌سازد با شیطان (زشتی‌ها، شرها) مقابله کنیم بی‌آنکه آلوده آن شویم؛ می‌تواند تدبیری باشد که ما را قادر می‌سازد در برابر همه آنهایی که به اصول اخلاقی تجاوز می‌کنند، بایستیم بی‌آنکه خودمان آلوده اعمال خود شویم.

۱. Perseus: (اسطوره یونان) پرسئوس - پسر زائوس و کشته مدوز (Medusa).

۲. Medusa: (اسطوره یونان) مدوز.

۳. زیرا نیرویی در مدوز بود که هر کس به او نگاه می‌کرد، به سنگ تبدیل می‌شد؛ و این بار، مدوز با انعکاس تصویرش برروی تیغه براق شمشیر، به خود نگاه می‌کرد.

موانع عبور از مرحله یادگیری به مرحله تفکر در مدارس

۱. پویا نبودن فرایند کسب دانش

فرایند آموزش در کلاس‌های درس به سبک سنتی، شکل منفعل دارد و تأکید، بیشتر بر کسب و ذخیره اطلاعات به همان شکلی است که ارائه می‌شود. تلاش زیادی باید انجام شود تا این فرایند تغییر کند و به صورتی درآید که در طی آن، اطلاعات را در کنار هم قرار دهند تا بفهمند چه نتایج کلی می‌توان از آن بیرون کشید.

در آموزش جدید، رسیدن به ناشناخته‌ها و طرح سؤال، هنر است؛ بدین معنی که یک نفر چگونه می‌تواند درباره ناشناخته‌ها سؤال طرح کند؛ درست مثل علم جبر که در آن یافته‌ها و شناخته‌ها را طوری کنار هم قرار می‌دهند که این امکان فراهم می‌شود که به ارزش یک مقدار نامعلوم پی ببرند. باید از حداقل نتایج (یافته)، حداکثر اطلاعات را بیرون کشید.

در مورد داستان نیز بهترین شیوه نقل داستان در حلقه‌های آموزش این است که بخشی از داستان روایت و سپس از شاگردان خواسته شود که بقیه داستان را حدس بزنند و بازسازی کنند.

این یعنی عبور از مانع یادگیری و ورود به مرحله تفکر. در این شیوه، تفکر (فکرکردن)، پاداش یادگیری است؛ و یادگیری ابزاری است برای بررسی و بهبود فرایند آموزش. فرایندی (روندی) که متأسفانه در کلاس‌های درس دنبال نمی‌شود.

۲. برنامه درسی پراکنده و نامنسجم

در آموزش سنتی، مطالب نامنسجم و بریده‌بریده منتقل و به همان صورت از شاگرد خواسته می‌شود. برای مثال، در ریاضیات، معلم جمع را درس می‌دهد و سپس ضرب را توضیح می‌دهد بی‌آنکه رابطه بین جمع و ضرب را مشخص و به شاگرد تفهیم کند که ضرب نیز صورت دیگری از همان جمع است.

هدف از یادگیری باید کسب حقایق در رشته‌ای از ارتباط باشد که امکان آن را فراهم سازد که بتوان از این حقایق استفاده خلاق کرد. هر چه حقایق مجزا و پراکنده‌تر باشند، یافتن ارتباط

بین آنها دشوارتر است، جز در شرایطی که بتوان بین آنها نظم و ترتیبی عمیق‌تر به‌وجود آورد.

۳. کمبود یا نبود اشتیاق

در آموزش سنتی، هیچ شوق و انگیزه‌ای برای یادگیری در یادگیرنده به‌وجود نمی‌آید. دانش‌آموز فقط مطالبی را ازبر می‌کند و در کلاس آنها را تحویل می‌دهد، بی‌آنکه بتواند درباره آنچه خوانده است، بحثی پیش بکشد یا سؤالی طرح کند. خودبیانگری^۱ در این نوع آموزش غایب است و هدف، تنها پس‌دادن تکلیفی است که مقرر شده است.

۴. کمبود یا نبود تسلط بر موضوع درسی

اکثر معلمان بر موضوع درسی خود تسلط کامل ندارند. البته در مواردی این نقص در طول زمان و با کسب تجربه جبران می‌شود؛ اما در بسیاری موارد، این نقیصه همچنان باقی می‌ماند. تعداد معلمان با تجربه مفید اندک‌اند؛ و آیا این معلمان می‌توانند معلمان تازه‌کاری را درحین کار آموزش دهند؟ پاسخ منفی است. تشکیلات مدرسه طوری است که معلمان مجزا کار می‌کنند. بین معلمان تبادل نظر صورت می‌گیرد؛ ولی گفت‌وگوهای بین آنان معمولاً درباره مشکلات دانش‌آموزان است نه درباره موضوعات درسی یا اینکه مثلاً چگونه ادبیات را به‌شکلی زنده ارائه دهند.

اولیای آموزشی باید به این سمت گام بردارند که از معلمان باتجربه‌تر برای آموزش ضمن خدمت معلمان کم‌تجربه‌تر و تازه‌کار استفاده کنند. همچنین، مطالب درسی در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها باید زنده و واقعی باشد. باید بین مؤسسات آموزشی بالاتر و پایین‌تر ارتباط دائم برقرار باشد؛ برای مثال، بین کسی که تاریخ را در سطح دانشگاه درس می‌دهد و کسی که همین را در سطوح پایین‌تر درس می‌دهد؛ و همین‌طور درمورد دروس ریاضی، ادبیات، زبان و... مشکل این است که اغلب معلمان، مثل شاگردان خود، سد یادگیری را پشت‌سر نگذاشته و وارد فرایند تفکر نشده‌اند.

آزمون در خدمت آموزش و یادگیری

مهم‌ترین مسئله در آموزش و یادگیری – چنان‌که بارها در این پیشگفتار تکرار شد – عبور از مانع یادگیری و ورود به تفکر است. مهم نیست چه یاد می‌گیریم؛ مهم این است که با آنچه یاد می‌گیریم، چه می‌کنیم. بیایید دانش‌آموزان را فقط با آنچه می‌دانند، محک‌نزنیم؛ یعنی با امتحان گرفتن‌های متوالی و پی‌درپی، که فلسفه این نوع سیستم آموزش و یادگیری است. برعکس، بیایید قضاوت‌های خود را در مورد دانش‌آموزان بر این پایه بگذاریم که آنها با آنچه می‌دانند، چه تولید می‌کنند و تا چه اندازه در پرسش از مانع یادگیری و ورود به فرایند تفکر موفق‌اند. ببینیم مطالبی که می‌خوانند، تا چه اندازه در آنها سؤال ایجاد می‌کند و تا چه حد در پی یافتن جواب برای آن سؤال‌ها برمی‌آیند.

درباره کتاب

داستان‌هایی برای فکر کردن، یکی از مجموعه طرح‌هایی است که برای رشد تفکر و یادگیری تدوین شده است.
این کتاب:

- مجموعه‌ای از ۳۰ داستان از فرهنگ‌های مختلف است برای کودکان ۷ تا ۱۱ سال که هم از آنها لذت ببرند و هم درباره آنها فکر کنند؛
- درآمدی است بر راه‌های استفاده از داستان‌ها برای ارتقای فکر و یادگیری در کودکان؛
- مجموعه‌ای است از طرح‌های بحث و فعالیت‌های فکری که در هر داستان دنبال می‌شود.

از این کتاب بچه‌ها می‌توانند تنها، در گروه‌های کوچک، در کلاس‌های درس و در محافل خود به شکل جمعی استفاده کنند.

رابرت فیشر^۱، استاد رشته تعلیم و تربیت در دانشگاه بروئل^۲ است که با این اندیشه، تاکنون مجموعه‌های زیادی را تألیف کرده است؛ از جمله:
به بچه‌ها یاد بدهیم فکر کنند،

هجده داستان‌هایی برای فکر کردن

به بچه‌ها یاد بدهیم یاد بگیرند؛

و مجموعه‌هایی از سری داستان‌هایی برای فکر کردن:

اشعاری برای فکر کردن،

معیارهایی برای فکر کردن،

بازی‌هایی برای فکر کردن؛

نیز:

اولین داستان‌ها برای فکر کردن،

اولین اشعار برای فکر کردن

(برای معلمان کودکان ۴ سال به بالا).

کتاب حاضر، حاوی سی داستان است. هر داستان براساس مضمونی (theme) تنظیم شده است (سی داستان، سی مضمون). مضامینی مثل خشم، زیبایی، زورگویی، جرأت و ترس، مرگ، ... بعضی داستان‌ها مشابه قرآنی دارد مثل داستان شماره ۲۶ (ریپ وَن وینکل) که مشابه قصه قرآنی اصحاب کهف است. داستان‌ها از ملئیت‌های مختلف است. بعد از هر داستان، دو مجموعه سؤال و یک مجموعه با عنوان فعالیت‌های دیگر وجود دارد.

اولین مجموعه سؤال‌ها درباره خود داستان است که با یک پرسش کلیدی شروع می‌شود (مفهوم و منظور داستان چیست؟) که بچه‌ها می‌توانند در کلاس درس درباره آن بحث کنند و در صورتی که به جواب نرسیدند، با طرح ده سؤال، مرحله به مرحله و به تدریج به جواب پرسش کلیدی سوق داده می‌شوند.

مجموعه سؤال‌های دوم درباره مضمون داستان است که آن هم با یک پرسش کلیدی شروع می‌شود (که در آن، مفهوم آن مضمون پرسیده می‌شود) که مانند مجموعه سؤال‌های اول، چنانچه بچه‌ها در طول بحث خود به جواب نرسیده باشند، با طرح ده سؤال، رفته‌رفته به پاسخ پرسش کلیدی می‌رسند.

در قسمت فعالیت‌های دیگر، از بچه‌ها خواسته می‌شود درباره داستان و یا بعضی موارد آن و نیز درباره مضمون، نقاشی کنند، بحث کنند، نمایشنامه اجرا کنند، و موارد دیگری مانند آن. کتاب به شکل کاربردی و جذاب تنظیم شده است که در طی هر بخش آن، بچه‌ها با

پیشگفتار مترجم نوزده

علاقه‌مندی، مفاهیم و مضامین مختلف را در ذهن خود نقش می‌بندند آن‌چنان‌که شخصیت‌شان شکل می‌گیرد و برای همیشه در فکرشان باقی می‌ماند.

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر مهدی گلشنی - رئیس محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - و جناب آقای رحمت‌الله رحمت‌پور - رئیس محترم انتشارات پژوهشگاه - که امکان چاپ این کتاب را فراهم ساختند، از جناب آقای سعید ناجی - رئیس محترم گروه فبک (فلسفه برای کودکان و نوجوانان) - که ترجمه این اثر را به بنده محول کردند، از سرکار خانم فریبا روشنفکر که ویراستاری اثر را با دقت و حوصله تمام انجام دادند، از سرکار خانم میترا طوسی که نسخه‌پردازی کتاب را متقبل شدند، از سرکار خانم اعظم صادقیان که حروف‌چینی و صفحه‌آرایی کتاب را با ظرافت و به‌زیبایی به‌انجام رساندند، و از تمامی دوستان و همکارانی که بر من منت نهاده و به‌نحوی در چاپ این اثر همکاری داشته‌اند، سپاسگزارم و توفیق تمامی آنان را از پروردگار یکتا خواهانم.*

هجدهم خردادماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و شش

سید جلیل شاهی لنگرودی

* در نگارش این پیشگفتار، در جاهایی، از مآخذ زیر استفاده شده است:

John I. Goodlad, "How Do We Learn?", *Saturday Review*, June 21, 1969, Saturday Review, Inc.

Jerome S. Bruner, "Learning and Thinking", *Harvard Educational Review*, vol. 29, no. 3 (Summer 1959), Harvard College.

مقدمه

کتاب‌ها برای این تولید نمی‌شوند که همه آنچه را در آنها نوشته شده است، بپذیریم؛ بلکه هدف از تولید آنها این است که در معرض تحقیق قرار گیرند. وقتی کتابی را مطالعه می‌کنیم، نباید از خود بپرسیم چه در آن نوشته شده است، بلکه باید روی مفاهیم و مقاصد آن دقیق شویم.

امبرتو اکو^۱، نام گل سرخ^۲

داستان به شما کمک می‌کند «فکر کنید» - یک هفت ساله

داستان‌هایی برای فکر کردن، کتابی است که با هدف رشد و پرورش مهارت‌های فکر کردن، یادگیری و مهارت‌های زبانی کودکان کم سن و سال تدوین شده است. در این کتاب، مجموعه‌ای از داستان‌های فرهنگ‌های مختلف برای بچه‌های ۷ تا ۱۱ سال ارائه شده است تا هم از آنها لذت ببرند و هم درباره آنها فکر کنند. بعد از هر داستان، سؤال‌هایی برای بحث طرح شده است که با آنها اندیشه کودکان درباره داستان به چالش کشیده و رشد داده می‌شود. سؤال‌ها روی موضوع اصلی داستان که مسائلی کلیدی مثل ماهیت حقیقت، خوبی، انصاف و دوستی را دربر می‌گیرد، متمرکز شده است. برای تشویق کودکان به افزایش فهمشان از مفاهیمی که از داستان‌ها استنباط می‌شود، فعالیت‌های تکمیلی نیز پیشنهاد شده است.

داستان‌ها و طرح سؤال‌ها را به روش‌های مختلف می‌توان به کار برد؛ از جمله به عنوان

۲ داستان‌هایی برای فکر کردن

محزکی برای فکر کردن، با:

● تک‌تک کودکان

● دوبه‌دو کار کردن کودکان

● گروه‌های کوچک

● کل کلاس

● گروه‌های بزرگ‌تر کودکان، مثل انجمن مدرسه

از داستان‌هایی برای فکر کردن می‌توان هم برای کار انفرادی و هم برای ایجاد گروه‌های فکری و یادگیری در کلاس درس از طریق پرسش و پاسخ، بحث گروهی، نوشتن متفکرانه، هنر، نمایشنامه و فعالیت‌های دیگری که می‌تواند در کنار برنامه آموزشی ابتدایی مفید باشد، استفاده کرد.

داستان‌ها

بخش داستان، از سی داستان تشکیل شده است که معلم یا کودک (یا گروه‌های کودکان) می‌تواند آنها را فقط به عنوان نقل داستان، بلند بخواند؛ یا می‌توان از آنها برای به تصویر کشیدن موضوعی برای فکر کردن و بحث استفاده کرد. داستان‌ها گستره‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها را دربر می‌گیرد؛ از جمله قصه‌های عامیانه‌ای از افریقا، چین، اروپا، هند و هند غربی^۱. با این داستان‌ها، زمینه‌ای عالی و ایده‌آل برای افزایش قابلیت‌های صحبت کردن، گوش کردن و پاسخ به مسائل ادبی فراهم می‌آید. مخاطبان تشویق می‌شوند داستان‌ها را آن‌طور که فکر می‌کنند مناسب است، جرح و تعدیل کنند یا بسط دهند؛ و این گفته رودیارد کیپلینگ^۲ را به یاد داشته باشند:

نه و شصت راه برای ساخت آهنگ‌های قبیله‌ای وجود دارد: و - فقط - یکی

- از - آنها - درست - است!

۱. West Indies: جزایر واقع در دریای کارائیب.

چرا داستان؟

در هر زبان، در هر نقطه از دنیا، داستان پایه اصلی تفکر و ارتباط است. با گفتن داستان است که درمی یابیم چه اتفاقی برای چه کسی و چرا افتاده است. با نقل داستان است که نه تنها چیزهایی درباره خودمان و دنیا درمی یابیم، بلکه همچنین یاد می گیریم چطور خود و دنیای خودمان را عوض کنیم و بسازیم. با داستان — چه داستان های شخصی باشند و چه روایت داستان های سنتی یا معاصر — این امکان برای ما فراهم می آید که فکر خود را بسط دهیم و نیز چیزهایی درباره ساختار، نقش و اهداف زبان بیاموزیم.

یکی از دلایل اینکه چرا داستان های سنتی قدرت تأثیرگذاری بالایی دارند، این است که «داستان ها یک ویژگی مهم دارند که زندگی و تاریخ، آن ویژگی را ندارد؛ و آن این است که ابتدا و انتها دارند و بنابراین مفاهیم رویدادها را جامی اندازند.» (اگان^۱، ۱۹۸۶). داستان ها از یک نظر «معین و مشخص» هستند؛ ولی زندگی با وجود آشفتگی ها و نواقص موجود در آن، چنین نیست. ما در فضایی از تکه های ناپیوسته و نامرتب تجربه زندگی می کنیم. داستان ها برخلاف پیچیدگی رخدادهای روزمره، پایان و اتمام دارند. آنچه داستان را داستان می سازد، این است که در پایان آن، هر آنچه در ابتدا مطرح و در وسط توضیح داده شده است، (از نظر منطقی) کامل یا (به روشی تأثیرگذار) گره گشایی می شود.

داستان می تواند ما را که یادگیرنده هستیم، در یادگیری توانمند کند. با گوش دادن به داستان ها، ویژگی های نقل داستان ملکه ذهن بچه ها می شود. همچنین از آنها خواسته می شود در برابر ایده ها و عواطف قدرتمند واکنش نشان دهند. داستان هایی برای فکر کردن فرصت هایی در اختیار بچه ها قرار می دهد تا هم درباره داستان هایی که مجموعه ای از فرهنگ ها و سنت ها را دربر می گیرد، فکر و هم آنها را ملکه ذهن خود کنند.

داستان‌هایی برای فکر کردن؛ و آنچه در آن ارائه می‌شود:

- عشق به ادبیات با ارائه اشکال داستانی آشنا
- زمینه‌ای برای تفکر و بحث انتقادی در مورد مسائل مهم
- مجموعه‌ای از تحقیق و تجربه مشترک
- آگاهی از میراث چندفرهنگی داستان‌ها و کتاب‌های ما
- محرّکی برای خیالپردازی و خلاقیت گفتاری و دیداری
- کمک به دانش زبانی و اشکال و کاربردهای زبان
- فرصتی برای تمرین مؤثر مهارت‌های شنیدن و حرف زدن

روایت داستان‌ها

رهنمودهای زیر، یادآوری‌هایی هستند در مورد راه‌هایی که راویان خوب می‌توانند از طریق آنها داستان‌هایشان را بانشاط کنند:

● آمادگی داشته باشید

مطالب یا متن را از قبل شناسایی کنید؛ هرچند که می‌خواهید آن را بخوانید. در این صورت، موقع نقل آن، با توجه به واژه‌های کلیدی که بر روی یک کارت نوشته‌اید، می‌توانید به حافظه خود کمک کنید.

● دیده شوید

مطمئن شوید همه بچه‌ها می‌توانند راوی داستان را ببینند. در حرکت باشید؛ از حرکات سر و دست استفاده کنید یا سایر وسایل کمکی دیداری، برای مثال:

— بعضی از حرکات داستان را همزمان با نقل آنها به نمایش درآورید.

— خواندن را با نقاشی، ضبط صدا یا موسیقی، به تصویر بکشید.

— در نقل داستان، از وسایل کمک‌کننده استفاده کنید؛ برای مثال، با عروسک، شال یا کلاه، یک شخصیت داستانی را نشان دهید.

● مخاطب را درگیر کنید

در طول روایت داستان، روی مخاطب چشم بدوزید و به دقت آنها را زیر نظر بگیرید.

راه دیگر برای درگیر کردن بچه‌ها این است که از یکی از آنها یا گروهی از آنها بخواهید خودشان داستان را بخوانند یا بازگویی کنند. برای بچه‌ها گیرایی بیشتری خواهد داشت که به جای معلمشان، همکلاسی‌هایشان برنامه را اجرا کنند. از تک‌تک بچه‌ها یا گروهی از بچه‌ها بخواهید:

— همچنان که شما داستان را می‌خوانید، شخصیت‌ها و حوادث داستان را به نمایش درآورند.

— داوطلب شوند و بخشی از داستان را برای بقیه بخوانند، متنی را ضبط کنند یا متن آماده‌شده‌ای را انتخاب کنند.

— داستان را بازگویی کنید؛ برای مثال، به صورت نمایشنامه، با تقلید، رقص، موسیقی، تصاویر، به زبان دیگر، و غیره.

ایجاد واکنش در کودکان در برابر داستان‌ها

بعضی از راه‌های ایجاد واکنش انتقادی و خلاق در برابر آثار ادبی در کودکان به قرار زیر است:

۱. همچنان که داستان را می‌خوانید یا نقل می‌کنید، کاری کنید واکنش ایجاد شود:

● در موقع نقل داستان، جاهایی مکث کنید و با طرح یک سؤال، واکنش ایجاد کنید؛ مثلاً «به نظر شما بعد از این، چه اتفاقی می‌افتد؟»

● در پایان داستان، با طرح سؤال‌هایی، واکنش ایجاد کنید؛

● از بچه‌ها بخواهید سؤال‌هایی درباره داستان طرح کنند.

۲. داستان را بازگویی کنید:

● با شرح تفصیلی طرح و شخصیت‌های داستان، داستان را به زبان خود بازگویی کنید؛

- از بچه‌ها بخواهید داستان را به زبان خودشان برای شما بازگویی کنند؛
- از بچه‌ها بخواهید همچنان که داستان بازگویی می‌شود، ادای شخصیت‌های داستان را درآورند یا حوادث آن را دوباره صحنه‌سازی کنند.
- ۳. درباره سؤال‌هایی که در مورد داستان مطرح می‌شود، بحث کنید:
- درباره سؤال‌هایی که بچه‌ها مطرح می‌کنند، بحث کنید (← تشکیل گروه تحقیق، ص ۲۲)؛
- درباره سؤال یا سؤال‌هایی که خودتان در مورد داستان طرح می‌کنید، بحث کنید؛
- درباره سؤال‌هایی که بعد از هر داستان (در بخش «طرح‌های بحث») طرح شده است، بحث کنید.

۴. بخواهید کتاب یا داستان را مرور کنند:

- بچه‌ها نظر خود را درباره کتاب یا داستان بنویسند یا در مورد آن بحث کنند؛ و برای نظرهای خود دلیل بیاورند؛
- بحث گروهی درباره داستان یا پاسخ‌های بچه‌ها را به سؤال‌هایی که درباره داستان مطرح می‌شود، ضبط کنید؛
- بچه‌ها، در گروه‌های دو نفره، فهرستی از سؤال‌ها را که می‌خواهند درباره داستان از دیگران بپرسند، ضبط کنند.

۵. واکنش دیداری در برابر کتاب یا داستان ایجاد کنید:

- پوستری طراحی کنید یا بسازید که داستان را به تصویر بکشد یا بیانگر داستان باشد؛
- یک بوک‌مارک^۱ براساس داستان طراحی کنید یا بسازید؛
- یک مدل سه‌بعدی، کولاژ^۲ یا نقشه درست کنید که بیانگر داستان باشد.

۶. با نگارش خلاق، واکنش ایجاد کنید:

- با تغییر وقایع، نقش‌ها، خلق پایان^۳ و غیره، روایتی از خودتان درباره داستان ارائه

۱. bookmark: چوب‌الف؛ نشان لای کتاب؛ هرچیز که برای نشان دادن اینکه تا کجا خوانده‌اند، لای صفحات کتاب بگذارند.

۲. collage: تکه‌چسبانی؛ تکه کاری؛ هر مجموعه از چیزهایی که ظاهراً به هم ربطی ندارند.

۳. sequel: بخش بعدی (داستان یا فیلم، و غیره).

دهید؛

● یکی از شخصیت‌های داستان را توصیف کنید؛ درباره یکی از شخصیت‌های داستان یا یک واقعه، مصاحبه یا گزارش خبری تهیه کنید؛

● براساس یک مضمون کلیدی از داستان، داستان یا شعری بنویسید.

۷. با داستان، زبان بیاموزید:

● گزیده^۱ ای از داستان را برای تمرین خط یا املانسخه‌برداری کنید (برای مثال، متنی را دیکته کنید)؛

● از داستان برای تمرین آزمون فهم و ادراک^۲ استفاده کنید (برای مثال، از هر ده کلمه یک کلمه را حذف کنید یا کلمات خاصی مثل فعل / صفت را حذف کنید و از بچه‌ها بخواهید در این باره که چه کلمه‌ای حذف شده است، بحث کنند و تصمیم بگیرند)؛

● از داستان برای تمرین دستور زبان^۳ استفاده کنید، برای مثال علائم نقطه‌گذاری را حذف کنید، یا از بچه‌ها بخواهید زیر اجزای کلام^۴ خط بکشند.

استفاده از داستان‌ها برای آموزش تفکر

آموزگاری داستان وینی‌ال‌حق^۵ را در کلاس می‌خواند؛ و به این نقطه رسید که گفته می‌شد پدر بزرگ پیگلت^۶ دو اسم دارد «مبادا که یکی را گم کند».

آموزگار مکشی کرد و پرسید: «مگه ممکنه آدم اسمی رو گم بکنه؟». همه سکوت کردند و به فکر فرو رفتند درحالی‌که سرهایشان را تکان می‌دادند. ناگهان دستی بالا رفت: «می‌شه؛ اگه اون اسم از یادمون بره!».

یکی از مزیت‌های اصلی استفاده از داستان به عنوان محرکی برای فکر کردن در کلاس درس این است که داستان خوب توجه کودک را جلب و فکر او را مشغول می‌کند. از

۱. excerpt: قطعه، بریده (بخشی که از متن یا کتابی نقل قول یا گرفته شده است).

۲. cloze: که در آن، جاهای خالی متن را باید با واژه‌های مناسب پر کرد.

3. grammar

۴. parts of speech: منظور، طبقه یا نوع واژه است (اسم، صفت، قید، فعل، ...).

5. Winnie the Pooh

6. Piglet

نظر وایتهد^۱ (در اهداف آموزش و پرورش^۲)، این امر، گام اول و اساسی بود در آنچه او استدلال می‌کرد باید «چرخه یادگیری» باشد؛ و او گام‌های این چرخه را به صورت زیر مشخص کرد:

گام ۱: داستان — که در طی آن، فکر و ذکر و توجه یادگیرنده مشغول می‌شود.

گام ۲: دقت (موشکافی) — که در طی آن، توجه به جزئیات آنچه آموخته شده است، جلب می‌شود.

گام ۳: تعمیم — که در طی آن، آنچه آموخته شده است، به کار برده و مصرف می‌شود. آنچه «داستان‌هایی برای فکر کردن» باید در اختیار بچه‌های کم‌سن و سال قرار دهد، داستان است؛ مشغول کردن یادگیرنده با بافت داستانی است؛ انگیزه‌ای که ذهن را بیشتر مشغول کند و مطالب بیشتری دریافت شود. در داستان، بین حافظه، عاطفه و تخیل، ارتباط مهمی وجود دارد. اگر داستان ارزشمند باشد، بچه‌ها از نظر عاطفی خود را در مقابل آن متعهد می‌بینند؛ و چنانچه کودکان تحت تأثیر خط داستانی قرار گیرند، این تأثیر (و تعهد) آنها، راهی را برای دستیابی به محتوای داستان و امکانی را برای فکر کردن و یادگرفتن فراهم خواهد کرد.

اگان (۱۹۸۸)، راهی را برای ارزیابی داستان‌ها به عنوان وسیله‌ای بالقوه برای بحث کلاسی پیشنهاد می‌کند. او طرفدار آموزگاران است که تقابل‌های دوتایی^۳ را به هنگام تدریس مشخص می‌کنند. یک راه برای شناسایی آنچه در داستان مهم است، پیدا کردن تقابل‌های دوتایی است که در داستان گنجانده شده‌اند: تقابل‌هایی مثل زندگی / مرگ، خیر / شر، امید / یأس، و غیره. این تقابل‌ها را می‌توان کانونی برای بحث و تعمیم از عناصر خاص و ملموس داستان به سؤال‌ها و مفاهیم مهمی که برای همه ما اهمیت دارند، قرار داد. این تقابل‌های دوتایی ممکن است به علایق شخصی مثل عشق / نفرت، دوستان / دشمنان، صواب / ناصواب مربوط باشد یا به مسائل فلسفی از جمله اینکه چه چیزی واقعی / غیر واقعی است، ماهیت زندگی / مرگ، و اینکه منشأی

تفاوت‌های دنیا در چیست.

عامل تخیل در داستان‌ها به کودکان امکان می‌دهد با استفاده از تجربه‌های تخیلی قدرتمند، صحیح‌تر درباره تجربه‌های واقعی فکر کنند. دونالدسون^۱ (۱۹۷۸) پی برده است که «اشتیاقی اساسی در انسان وجود دارد که به دنیا مفهوم دهد و آن را تحت کنترل آگاهانه درآورد». او استدلال می‌کند که این اشتیاق به معنادار کردن، درمورد کودکان، به بهترین نحو در بافت ارضای می‌شود نه به شکل کاملاً «مجزا» از دنیای تجربیاتشان. داستان‌ها، وقتی برای بچه‌ها قابل فهم باشند، این امتیاز را دارند که بتوان مسائل و موارد انسانی مثل شخصیت‌های داستانی، وقایع و تجربیات را در آنها گنجانند و با این حال، این امکان را به بچه‌ها داد که خود را از وابستگی به زندگی‌های شخصی خود «بیرون بکشند» و این توانایی را در آنها به وجود آورد که با نگاه کردن به دیگران و فکر کردن درباره دیگران، خود را ببینند.

بدون محتوا یا موضوع نمی‌توان استدلال یا کشف کرد (هر چند که «هیچ» موضوع جذابی برای بحث نباشد). این باید یک نقطه شروع باشد – و با داستان می‌توان انگیزه مؤثری برای تفکر انتقادی، تفسیر و استدلال داد. در این مفهوم گسترده، استدلال – که به طور اساسی به عنوان گفتمانی درباره اختلاف عقاید در نظر گرفته می‌شود – یکی از مشخصه‌های بحث درباره هر داستان پیچیده یا دشوار است. روندهایی را که در طی آنها این مهم حاصل می‌شود، می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

- پرسش درباره داستان: که در طی آن، معلم یا بچه‌ها درباره داستان سؤال می‌کنند؛
- تفسیر داستان: که در طی آن مفهوم‌سازی می‌شود و برای قضاوت درباره داستان دلیل اقامه می‌شود.

- بحث درباره داستان: که در طی آن سعی می‌شود برای مسائل و سؤال‌هایی که مطرح شده است، راه حل و جواب پیدا شود.

از آنجا که داستان‌ها، ساخته انسان است، اگر قرار باشد برای شنونده یا خواننده معنادار

شوند، به برگردان و گوش کردن یا خواندن انتقادی نیاز دارند. مفهوم و معنای یک داستان را باید در فکر بازسازی کرد. چند عامل در ساخت داستان وجود دارد که راه را برای اندیشیدن، تفسیر و بحث بازمی‌گذارد.

موارد زیر، چند ویژگی مسئله‌ساز در یک داستان است:

۱. ترتیب زمانی

همه داستان‌ها برای بیان وقایع در طول زمان، الگوی منحصربه‌فردی دارند. گاه این وقایع ترتیب زمانی دارند؛ اما به جای «وقت واقعی»، به «وقت انسانی» رخ می‌دهند یعنی زمانی که در مفهوم انسانی وقایع در طرح داستان اهمیت پیدا می‌کند. برای بیان ترتیب زمانی، توافقی‌های زیادی وجود دارد؛ از جمله: «روزی‌روزگاری...»، «فلش‌بک (پس‌نگاه)»^۱، «فلش‌فوروارد (پیش‌نگاه)»^۲، و غیره. وقتی از بچه‌ها خواسته می‌شود وقایع داستان را به ترتیب زمانی آنها بازسازی کنند، این تکلیف چیزی بیش از تمرین صرف حافظه آنان است؛ و درواقع این تکلیف، به چالش کشاندن آنها برای بازسازی داستان است، که خود اغلب بحث و جدل بیشتری را برمی‌انگیزد.

از جمله سؤال‌هایی که به بچه‌ها کمک می‌کند ترتیب زمانی داستان را درک کنند، عبارت‌اند از:

«چه کسی یادش می‌آید چه اتفاقی در داستان افتاد؟»

«چه اتفاقی در ابتدا / وسط / انتها افتاد؟»

«روزی‌روزگاری یعنی چه؟»

۲. وقایع خاص

داستان‌ها با اتفاقات خاص معنا دار می‌شوند. وقایع خاص در الگوهای قرار می‌گیرند که نوع^۳ و ژانر^۴ داستان را تشکیل می‌دهند. هر واقعه خاص، و گروه‌ها یا الگوهای وقایع، راه

۱. flashback: بازگشت (نگاه) به عقب.

۲. flash-forward: نگاه به جلو.

3. type

۴. genre: گونه.

را برای تفسیر می‌گشاید. فضای عادی نمایش یک داستان، چالش یا برخورد چند نوع است؛ و از مسائل خاص در هر داستان، وقایع غیرمنتظره هستند که باعث می‌شوند داستان نامتوازن و ناموزون به نظر برسد و ماهیت پیچیده زندگی آشکار شود. نیروی آموزشی داستان‌ها نیز در درک مسائل پیچیده، از طریق تفسیر، قرار دارد، نه فقط در درک طرح داستان منسجم.

وقایع یک داستان، ژانر آن داستان را تشکیل می‌دهد؛ که راهی آزاد و قراردادی برای بیان جنبه‌های کلی موقعیت انسانی در قالب داستان است. ژانر متن ممکن است برای سؤال کردن باز باشد؛ و درواقع هر متن ممکن است با تعدادی از ژانرها مرتبط باشد. ژانر، خاص متن نیست بلکه راهی برای تفسیر و درک متن نیز است. از این مطلب چنین برمی‌آید که ممکن است نسخه‌های متفاوتی از یک متن یا واقعه وجود داشته باشد. درواقع، در درون یک داستان ممکن است نسخه‌های متقابلی از یک قصه یا واقعه وجود داشته باشد؛ و بحث میان نسخه‌های مختلف داستان، در درک اجتماعی و شناخت ماهیت داستان، ضروری است. این روند (فرایند) درک ماهیت داستان، تدریجی است؛ اما با اندیشیدن درباره وقایع خاصی که داستان‌ها را می‌سازند و تفسیر آنها، می‌توان به این روند کمک کرد.

پرسش‌های زیر در زمینه تفسیر وقایع خاص در داستان‌ها، سودمند و یاری‌دهنده است:

«واقعه / اپیزود^۱ / داستان، از چه نوعی است؟»

«چرا این واقعه اتفاق افتاد؟ / چه عاملی سبب وقوع آن شد؟»

«دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟»

«چه اتفاقی ممکن بود بیفتد؟»

«چه اتفاقی باید می‌افتاد؟»

«اتفاق بعدی چه ممکن بود باشد؟ / باید می‌بود؟»

۱. episode: (زمان و غیره) قسمت، بخش، درون داستان.

۳. نیت‌ها (خواسته‌ها)

داستان‌ها دربارهٔ آدم‌ها (یا حیوانات، آدم‌واره‌ها^۱، موجودات جادویی، و غیره) هستند با شرایط آگاهانه‌ای مثل عقاید، خواسته‌ها، نظریه‌ها، ارزش‌ها و غیره. مشکلات به این دلیل رخ می‌دهند که همیشه معلوم نیست یک شخصیت داستانی معین چه نیتی دارد؛ و نیت‌ها حتی وقتی مشخص می‌شوند، لزوماً تعیین‌کنندهٔ وقایع نیستند. از آنجا که ارتباط بین نیت‌ها و اعمال آزاد است، نقل داستان‌ها، توضیحات علت و معلولی کاملی به دست نمی‌دهد. وجود نیت‌ها انسانی، عامل انتخاب یا آزادی انتخاب را پیش فرض می‌گیرد. ما از روی تجربه‌های خود، فقط می‌توانیم تفسیر کنیم که یک شخصیت داستانی در یک موقعیت معین چه احساسی و ادراکی دارد و دربارهٔ وقایعی که در داستان می‌افتد، دلایلی اقامه کنیم. از یک نظر، هر رویداد بیرونی، یک رخداد درونی دارد که بیانگر فرایندهای فکری پنهان شخصیت‌های داستانی است.

این بحث تفسیری را می‌توان با سؤال‌هایی مثل سؤال‌های زیر ارائه داد:

«شخصیت داستانی X چه اعتقادی دارد...؟»

«شخصیت داستانی X چه می‌خواهد...؟»

«شخصیت داستانی X چه فکر می‌کند...؟»

«شخصیت داستانی X می‌خواهد دیگران چه فکر کنند...؟»

«شخصیت داستانی X چه دلایلی ارائه می‌داد...؟»

«به نظر X، Y چه باید بکند...؟»

«چرا X اینطور فکر می‌کند...؟»

«X امیدوار است چه اتفاقی بیفتد...؟»

۴. مفاهیم (معانی)

یک داستان موفق، یک کل است، انسجام دارد، و مثل هر ساختی می‌توان آن را به عنوان

یک کل یکپارچه بررسی کرد. حتی در داستان‌های معروف و به‌خوبی ساخته و پرداخته شده، چالش‌هایی در درک ما از کل وجود دارد، نیز عناصر مبهمی که سعی می‌کنیم آنها را معنادار کنیم. در معروف‌ترین داستان‌ها، فراگفتمانی وجود دارد که به نیت مؤلف مربوط می‌شود؛ چرا این داستان گفته شد؛ و مسائل مربوط به بافت اوضاع سیاسی-اجتماعی؛ و دانش پس‌زمینه‌ای در این باره که داستان کجا و چه وقت خلق شد. هر داستان در دنیایی جامی گیرد. این دنیا از چه جهاتی به دنیای ما شبیه یا متفاوت از آن است؟

با سؤال‌هایی مثل زیر می‌توان کودک را در تفسیر مفاهیم یک داستان کمک کرد:

«داستان از چه نوعی است؟»

«به نظر شما، اول چه کسی آن را نوشت / گفت؟»

«خاستگاه داستان کجاست؟»

«به نظر شما، چه عنوان دیگری می‌توان به داستان داد؟»

«حدس می‌زنید داستان درباره‌ی چه بود؟»

«آیا مسئله حل‌نشده‌ای درباره‌ی داستان وجود دارد؟»

«این داستان چه به ما می‌گوید...؟»

«نویسنده / داستان چه چیزی به ما نمی‌گوید؟»

«پیام (یا نکته اخلاقی) داستان چیست؟»

«این داستان از چه جهاتی به داستان‌های دیگر شبیه یا متفاوت از آنها است؟»

۵. روایت

عامل دیگر در تحلیل داستان، تفاوت بین طرح داستان و شیوه نقل آن است. ژانر نه تنها قالب طرح داستان بلکه سبک روایت هم هست. از یک نظر، یک تعداد اصولی طرح داستان وجود دارد؛ ولی داستان را به بینهایت راه می‌توان نقل کرد. می‌توان استدلال کرد که کارکرد داستان ابتکاری برای خلق طرح‌های داستانی جدید، به اندازه‌ی ارائه‌ی داستان‌های آشنا، نامطمئن یا مسئله‌ساز نیست. وظیفه‌ی راوی یا نویسنده از یک نظر این است که از

مسئله‌ای عادی، موردی عجیب بسازد؛ و خواننده را به یک واکنش تفسیری وادارد. هر داستان، به شدت تحت تأثیر سنت‌های داستانی است؛ اما در داستان‌های خوب، ابتکار خلاق و وجود دارد. این داستان‌ها، فرای نسخه‌های متعارف هستند و باعث می‌شوند مردم مسائل را به شیوه‌های تازه ببینند. این مقصود را می‌توان با تغییراتی در طرح داستان یا نحوه نقل داستان برآورد. این وظیفه نه تنها ارزیابی طرح داستان (اینکه چه اتفاقی در داستان می‌افتد) را شامل می‌شود، بلکه پاسخ به این دو سؤال را نیز در بر می‌گیرد که چرا داستان ارزش گفتن داشت و چگونه گفته شد. بعضی داستان‌ها ضعیف روایت می‌شوند، داستان‌گونه نیستند و از نظر اغلب افراد «بی‌معنی» هستند. در داستان‌های دیگر، برای خلق چیزی که منحصر به فرد و ارزشمند باشد، ابداع در محتوا یا سبک - خرق عادات - صورت می‌گیرد.

با سؤال‌های زیر می‌توان به اجرای بهتر روایت داستان کمک کرد:

«آیا هیچ نکته خاصی در مورد داستان وجود دارد؟»

«آیا داستان خوب نقل شده است؟»

«آیا داستانی دیگری مثل این داستان شنیده‌اید؟»

«چه چیز متفاوتی در این داستان وجود دارد؟»

«آیا می‌توانستید این داستان را به طریق دیگری نقل کنید؟»

«(در این صورت)، شخصیت‌ها و وقایع را چگونه تغییر می‌دادید؟»

«اگر داستان را به روشی متفاوت نقل می‌کردید، آیا آن داستان باز هم همین داستان

بود؟»

داستان‌هایی برای فکر کردن: از چه داستان‌هایی استفاده شود؟

- داستان‌های سنتی مثل ۳۰ داستانی که در این کتاب وجود دارد.
- داستان‌های کودکانه مثل آلیس در سرزمین عجایب^۱، جادوگر سرزمین اوز^۲، شاهزاده کوچک^۳، مرد آهنی^۴، و غیره.
- کتاب‌های تصویری مثل ترجیح می‌دهید...^۵ از جان برنینگهام^۶ (← فلسفه تدریس با کتاب‌های تصویری^۷ از کارن موریس^۸، انتشارات اینفونت^۹، ۱۹۹۲).
- داستان‌های فلسفی که برای کودکان نوشته شده است، مثل یکسی^{۱۰} از متیو لیپمن^{۱۱} (برای کسب اطلاع در این زمینه‌ها، با راجر ساتکلیف^{۱۲} به آدرس زیر تماس بگیرید:

SAPERE, Christ's Hospital, Horsham Surrey

RH13 7NF).

- شعر مثل شعرهای کودکانه و شعرهای داستانی (← شعرهایی برای فکر کردن^{۱۳}، از این سری، از رابرت فیشر^{۱۴}).
- تصاویر مثل عکس‌هایی از مجلات رنگی یا نسخه‌هایی از کارهای هنری (← بسته تصویری هنری زنده^{۱۵} از رابرت فیشر، استانی تورنر^{۱۶}، ۱۹۹۴).
- داستان براساس برنامه آموزشی مثل داستان‌های تاریخی مرتبط با عناوین درسی (تحصیلی).
- مصنوعات و اشیا: هر شیء یا مصنوعی را می‌توان کانون توجه و پژوهش داستانی قرار داد.
- نمایشنامه، نقش بازی کردن و تجربه دست اول، که با آنها می‌توان فرصت‌هایی برای بحث متفکرانه فراهم آورد.
- موسیقی هم فرصت‌هایی برای فکر کردن و پژوهش داستانی فراهم می‌آورد.
- تلویزیون و ویدیو، نمونه‌هایی از داستان‌ها برای بحث و بررسی رسانه‌ای انتقادی در اختیار می‌نهند.
- داستان واقعی: از اشکال غیرداستانی داستان مثل گزارش‌های خبری یا «اسرار نامکشوف» — مثل «راز ماری سلس»^{۱۷} در صفحه ۱۱۰ همین کتاب — می‌توان علاقه و توجه فلسفی را برانگیخت.

1. *Alice in Wonderland*

2. *Wizard of Oz*

3. *Little Prince*

4. *Iron Man*

5. *Would you rather...?*

6. John Burningham

7. *Teaching Philosophy with Picture Books*

8. Karin Murriss

9. Infonet Publications

10. *Pixie*

11. Matthew Lipman

12. Roger Sutcliffe

13. *Poems for Thinking*

14. Robert Fisher

15. *Active Art Picture Pack*

16. Stanley Thomes

17. Marie Celeste

از درس‌های داستان‌هایی برای فکر کردن، سه نوع هدف دنبال می‌شود:

- اهداف آموزشی: برای کمک به رشد مهارت‌ها در زبان، به‌ویژه در ارائه پاسخ به مجموعه‌ای از مطالعات، و ایجاد مهارت‌های گفتاری و شنیداری.
- اهداف شناختی: برای ایجاد تحول در فکر کردن، پرسش کردن، تصور کردن و استدلال کلامی.

- اهداف اخلاقی و اجتماعی: برای کمک به رشد اعتماد به نفس کودکان در این مورد که خودشان می‌توانند به تنهایی فکر کنند، و تشویق درک و رفتار مسئولانه در برابر دیگران.

داستان‌های این کتاب براساس دشواری رتبه‌بندی نشده‌اند. این داستان‌ها برای استفاده کودکان طیف سنی ۷ تا ۱۱ سال مناسب است. استفاده از بعضی داستان‌های ساده‌تر مثل «نام‌گره» و «غیرواقعی»، برای ایجاد بحث با بچه‌های کم‌سن و سال موفقیت‌آمیز بوده است. داستان‌های پیچیده‌تر مثل «برنده اسب جنبان» و «مسخ» برای بچه‌های بزرگ‌تر مناسب‌تر است. هدف از داستان، برانگیختن تفکر و پرسش‌گری است. هر داستانی که انتخاب کنید، طیف سؤال‌هایی که بچه‌ها درباره آن می‌کنند، شما را شگفت‌زده می‌کند.

خواندن و گوش دادن به داستان‌ها، فضایی ذهنی برای فکر کردن ایجاد می‌کند. اما کیفیت فکر کردن است که باید برای ما مهم باشد. همچنین، همه داستان‌های خوب، برانگیزاننده فعالیت‌های فکری مثل تصور کردن، حدس زدن و قضاوت کردن هستند. با محدود کردن بچه‌ها به ندای درون قضاوت‌های شخصی‌شان، فرصت‌هایی را که متن‌های خوب برای واکنش فکری فراهم می‌آورند، محدود می‌کنیم. مطالعه لزوماً با تمام شدن متن خاتمه نمی‌یابد؛ بلکه با فکر کردن، تفسیر و بحث ادامه پیدا می‌کند. هدف از صحبت درباره متن باید عمیق کردن درک آنچه خواننده می‌شود و درک دنیا باشد. بحث در یک گروه تحقیق کمک می‌کند که بتوان یک رویداد اجتماعی را خواندنی کرد.

هر داستان یا کتابی که کودکان می‌خوانند، می‌تواند داستانی برای فکر کردن باشد اگر

معلم یا شریک خواندن شما داستان را با طرح سؤال‌ها یا مضامینی برای بحث ارتقا دهد. در این کتاب، هر داستان به یک مضمون کلیدی و نمونه سؤال‌هایی برای بحث مرتبط است. امید است که فقط از این سؤال‌ها استفاده نشود، بلکه با این سؤال‌ها و مضامین، الگوهای ارائه شود تا از طریق آنها بتوان هر مطالعه (بررسی) با بچه‌ها را با بحث غنی ساخت.

طرح‌های بحث

هر داستان شامل دو طرح بحث است حاوی سؤال‌هایی که می‌توان از آنها برای متمرکز کردن توجه بچه‌ها به موارد زیر استفاده کرد:

۱. تأملی در داستان: جهت بررسی و کشف درک کودکان از ویژگی‌های روایتی داستان و ترویج تفکر انتقادی و خلاق درباره داستان؛

۲. تأملی در یک مضمون کلیدی داستان: جهت بررسی و کشف درک کودکان و ترویج تفکر انتقادی و خلاق درباره مضمون.

بعد از هر طرح بحث، برای تشویق بیشتر تفکر خلاق درباره داستان و مضمون کلیدی، فعالیت‌هایی پیشنهاد شده است. این طرح‌های بحث و فعالیت‌ها فقط در حد پیشنهاد مطرح شده‌اند؛ و هدف از طرح آنها این نیست که کورکورانه دنبال شوند. اینها راهنمایی هستند برای طرح بعضی از سؤال‌هایی که ممکن است پرسیده شود. شما یا کودکان شما ممکن است پرسش‌های بهتر یا جالب‌تری به نظرش برسد. در هر داستان، تعدادی مضمون وجود دارد؛ و شما ممکن است بخواهید درباره مضمون‌های دیگری در داستان، سؤال‌ها و فعالیت‌هایی تدبیر کنید. ممکن است تمایل داشته باشید برای بررسی و کشف یک مضمون منتخب، از مطالب داستانی دیگری استفاده کنید. داستان‌هایی برای فکر کردن، یک مأخذ قابل تعدیل و تنظیم است که متناسب با نیازهای شما و کودکانتان تهیه و تنظیم شده است.

داستان‌هایی برای فکر کردن: یک درس خاص چیست؟
 یک داستان خاص برای جلسه تفکر را می‌توان در قالب زیر ریخت:
 محل: بچه‌ها در یک حلقه روی صندلی‌ها می‌نشینند؛ و معلم نیز بخشی از این حلقه را تشکیل می‌دهد.

۱. معرفی جلسه

یکی از راه‌های شروع یک جلسه این است که بگوییم: آیا تابه‌حال اتفاق افتاده است که وقتی داستانی را می‌خوانید یا به داستانی گوش می‌دهید، افکار یا سوالاتی به ذهنتان برسد؟ و به نظر شما، آیا همین افکار به ذهن آدم‌های دیگر هم می‌رسد؟ امروز می‌خواهیم به داستانی گوش کنیم و ببینیم آیا افکار یا سؤال‌هایی درباره آن به ذهنتان می‌رسد یا نه.

۲. داستان‌گویی

داستان منتخب را معلم می‌خواند یا روایت می‌کند یا بچه‌ها به نوبت می‌خوانند، تا درباره روند و تفکرات اصلی آن، ایده‌ای بگیرند. می‌توان از بچه‌ها خواست داستان را بازگویی کنند، یا معلم می‌تواند با کمک گروه، عناصر داستان را ترسیم کند تا همه ببینند.

۳. زمان فکر کردن

از کلاس خواسته می‌شود درباره آنچه در داستان برایشان جالب یا معما است، فکر کنند. تفسیرها و پرسش‌های تک‌تک بچه‌ها، به همراه نام آنها، در پایان قسمت مربوط به هر یک، بر روی تخته نوشته می‌شود.

۴. زمان بحث

از بچه‌ها خواسته می‌شود درباره سؤال یا تفسیری که توجه‌شان را جلب کرده است، چیزی بگویند؛ که این کار به بحثی درباره عقاید مربوط منجر می‌شود. معلمان همچنین می‌توانند از طرح‌های از پیش آماده شده و پرسش‌های راهنما که روی تفکرات کلیدی داستان متمرکز شده‌اند، استفاده کنند. در پایان جلسه، بچه‌ها می‌توانند بحث را مرور کنند، و/یا افکارشان را در دفترچه یادداشت روزانه بنویسند یا ترسیم کنند.

(همچنین، ر.ک.: بازی‌هایی برای فکر کردن از رابرت فیشر از همین سری برای استفاده در ابتدا یا انتهای جلسه‌ها)

جلسه بحث درباره یک داستان ممکن است سی دقیقه یا بیش از یک ساعت طول بکشد؛ هرچند که اغلب معلمان به این نتیجه می‌رسند که دو جلسه کوتاه‌تر بهتر از یک جلسه طولانی‌تر است. با این اقدام، امکان اختصاص دادن یک جلسه به فعالیت‌های پایان‌دهنده بر مبنای مسائل و عناصر داستان یا بحث تنظیم شده است، فراهم می‌شود.

همه داستان‌ها برای قرار گرفتن در رده «داستان‌هایی برای فکر کردن» آرمانی نیستند. بسیاری از داستان‌ها را باید برای لذت محض از نوشته‌ها یا تصاویر آنها و بسیاری دلایل دیگر خواند. اما کتاب‌ها از شیوه‌های اصلی انتقال افکار در فرهنگ ما هستند؛ و بخشی از تجربه کودک در مورد داستان باید در راستای بحث درباره این افکار، با کمک یک معلم، باشد. پرسش‌های زیر، نمونه سؤال‌هایی درباره داستان‌ها هستند که از طریق آنها، یک چهارچوب ممکن برای بحث با کودکان فراهم می‌آید:

طرح بحث: داستان‌ها

آیا تا به حال داستان نقل کرده‌اید؟ می‌توانید نمونه‌ای ارائه دهید؟

چرا داستان نقل کردید؟

آیا دوست دارید داستان بشنوید؟ چرا؟

چرا مردم داستان می‌نویسند یا نقل می‌کنند؟

آیا انواع مختلفی برای داستان هست؟ می‌توانید نمونه‌هایی ارائه دهید؟

آیا امکان دارد دنیایی وجود می‌داشت که در آن هیچ داستانی نبود؟ آیا می‌توانید وقتی

داستانی می‌خوانید یا به داستانی گوش می‌دهید، بگویید آن داستان واقعی است یا نه؟
چطور؟

چه تفاوتی بین واقعیت و داستان هست؟ می‌توانید نمونه‌هایی ارائه دهید؟

آیا مهم است داستانی واقعی یا تخیلی (واقعی یا غیرواقعی) باشد؟ چرا؟ می‌توانید

مثال‌هایی بزنید؟

چه عواملی یک داستان خوب را به وجود می‌آورند؟
(اطلاعات بیشتر در این زمینه در صفحه‌های ۲۲-۲۱ آمده است.)

هدایت یک بحث

هدف از تدوین کتاب داستان‌هایی برای فکر کردن، ایجاد موقعیتی است که در آن کودکان بیاموزند:

- چگونه با هم در یک گروه تحقیق، درباره پرسش‌ها، مشکلات و مسائل بحث کنند؛
 - چگونه در تفکر و استدلال خود، شفاف باشند؛
 - چگونه به حرف‌های یکدیگر گوش کنند و به هم احترام بگذارند.
- تفکر البته فعالیتی کل‌گرا است؛ ولی تعدادی عناصر، مهارت‌ها و رویکردهای مهم را شامل می‌شود؛ که عبارت‌اند از:
- پرسیدن: طرح سؤال‌های خوب برای ایجاد کانونی جهت تحقیق؛
 - استدلال کردن: منطقی (یا علمی) بودن برای محکم کردن بحث و قضاوت‌ها؛
 - تعریف کردن: روشن کردن مفاهیم با ایجاد ارتباط‌ها، تمایزها و مقایسه‌ها؛
 - اندیشیدن: تعمیم ایده‌ها و نظرهای دیگر با تفکر خیالپردازانه؛
 - آزمودن حقیقت: گردآوری اطلاعات، قضاوت در مورد مدارک، نمونه‌ها و نمونه‌های مخالف؛

- شرح و بسط عقاید: حفظ و بسط خطوط فکری و استدلال؛
 - خلاصه کردن: خلاصه کردن نکات کلیدی یا قواعد کلی از تعدادی عقاید یا مصادیق.
- برای تزریق دقت فکری در بحث با بچه‌های کم‌سن‌وسال، تعدادی سؤال مفید برای طرح در کلاس وجود دارد. هدف از این سؤال‌ها این نیست که بچه‌ها فقط به آنها جواب دهند، بلکه انتقال آنها از تفسیر داستانی و مشاهدات غیرمنتظره به شیوه‌ای در بحث همراه با اقامه دلایل و قاعده‌مند کردن استدلال است. با طرح این سؤال‌ها سعی می‌شود

بچه‌ها ترغیب شوند که برای تفسیرهایشان مسئولیت حس کنند و درباره آنچه می‌گویند، بیندیشند. امید می‌رود که چنین سؤال‌هایی در زمان ملکه شوند و بچه‌ها به مرحله‌ای برسند که خودشان از خودشان سؤال کنند. نمونه‌هایی از سؤال‌های مفید در بحث به‌قرار زیر است:

داستان‌هایی برای فکر کردن: سؤال‌های بحث

کارکرد شناختی سؤال‌ها

سؤال‌ها

توجه را متمرکز کردن	● شما... (با بردن نام کودک) چه فکر می‌کنید؟ نظر/عقیده/رای شما در این باره چیست؟
استدلال	● چرا چنین می‌گویید؟ می‌توانید دلیلی برای من اقامه کنید؟
تعریف کردن/تحلیل کردن روشن کردن	● مقصودتان از... چیست؟ کسی می‌تواند توضیحی به ما بدهد؟
تعمیم	● کسی هست که فکر/نظر/ الگوی دیگری داشته باشد؟
نظرهای دیگر	چه کس دیگری می‌تواند چیزی در این باره بگوید؟
آزمودن حقیقت	● چطور می‌توانستیم بگوییم که داستان واقعی است یا نه؟ چطور شما/ما می‌فهمیم؟
حفظ	● چه کسی با... (با بردن نام

گفتمان/استدلال خلاصه کردن	کودک(موافق/مخالف است؟ چرا؟ می‌توانید بگویید با چه کسی/ چه موافق یا مخالف‌اید؟ ● چه کسی می‌تواند به یاد بیاورد که ما چه گفته‌ایم؟ چه نظر‌ها/استدلال‌هایی ارائه داده‌ایم؟
---	---

تشکیل گروه تحقیق

داستان‌هایی برای فکر کردن، از منابعی هستند که به تشکیل گروه تحقیق کمک می‌کنند. گروه تحقیق عبارت است از یک گروه یا کلاس که از طریق بحث، در روند اکتشاف عقاید شرکت می‌کند. گروه، از مؤثرترین شیوه‌ها برای رشد تفکر است؛ زیرا در آن، از «هوش جمعی» کل گروه بهره برده می‌شود. هدف از گروه، ایجاد

- یک ساختار فکری است برای رشد عقاید، معانی مشترک و جست‌وجوی حقیقت،
- یک ساختار اخلاقی است، چرا که مستلزم تمرین همکاری، توجه و احترام به دیگران و تجسم اصول دموکراسی در عمل است.

در زیر، چند راه برای گروه تحقیق در کلاس درس پیشنهاد شده است:

۱. محلّ گروه

حالت آرمانی این است که افراد گروه طوری بنشینند که بتوانند معلّم و همدیگر را ببینند. اگر تعداد افراد گروه یا کلاس کم باشد، حلقه، شکل ایده‌آل است. دربارهٔ بهترین محلّ گروه برای بحث ممکن است خود بچه‌ها هم نظریه‌هایی داشته باشند. قبل از شروع مطمئن شوید که جای همه راحت است. در گذشته، داستان رادیو با این جمله شروع می‌شد: «راحت نشسته‌اید؟... پس شروع می‌کنیم».

۲. قواعد توافق شده

قواعد توافق شده، چه ضمنی باشند چه صریح، برای اجرای بحثِ ثمربخش، اساسی هستند. یک راه این است که پنج قاعده ساده برای بحث نوشته یا چاپ شود. از جمله قواعد کلیدی عبارت‌اند از: «در هر زمان، فقط یک نفر حرف بزند»^۱، «همه به حرف‌های گوینده گوش کنند»، و «هیچ کس یادداشت نکند». مفید خواهد بود اگر خود بچه‌ها مواظب باشند کسی قواعد را نقض نکند — و از جمله معلم.

روش دیگر این است که از بچه‌ها بخواهند دو تا دو تا یا در گروه‌های کوچک، خودشان قواعد خود را وضع کنند.

در زیر، چند قاعده که یک گروه از کودکان ده‌ساله روی آنها توافق کرده‌اند، ارائه شده است:

- هر کس برای صحبت کردن نوبت بگیرد!
- وقتی کسی حرف می‌زند، حرفش را قطع نکنید!
- با افزودن نکاتی، آنان را تأیید یا به آنان کمک کنید!
- نکات بی‌ارزش، احمقانه یا ناخوشایند نگویید!
- اگر کسی نمی‌خواهد چیزی بگوید، نباید مجبورش کرد بگوید!
- نامهربانانه و غیردوستانه به چیزی که کسی گفته است، نخندید!
- قبل از طرح سؤال، فکر کنید!

۳. زمان فکر کردن

درباره اهمیت انتظار یا زمان فکر کردن جهت ترغیب کودکان به دادن پاسخ‌های متفکرانه، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. «بگذارید درنگ کنیم و فکر کنیم درباره...»، تذکار مفیدی است که در آن بر اهمیت آنچه می‌کنیم یا به آنچه گوش می‌کنیم، تأکید می‌شود. گاهی مفید است از بچه‌ها بخواهیم چشم‌های خود را ببندند و

آنچه را که می‌خواهند بگویند، مجسم کنند یا شرح دهند. یک تعمق کوتاه در سکوت مطلق هم می‌تواند مفید باشد. زمان فکر کردن به‌ویژه در مواقع زیر مطرح است:

- بعد از شنیدن یا خواندن داستان — «من از شما می‌خواهم دربارهٔ داستان... فکر کنید!»
- بعد از اینکه کسی تفسیر جالبی کرد — «از شما می‌خواهم دربارهٔ آنچه X گفت، فکر کنید!»

● در پایان جلسه — «از شما می‌خواهم دربارهٔ آنچه همهٔ ما شنیده و گفته‌ایم، فکر کنید!»
 با راهبرد «مشارکت — دوتایی — فکر کنید» می‌توان فضایی برای فکر کردن ایجاد کرد. به افراد اجازه دهید زمانی دربارهٔ یک مشکل یا مسئله فکر کنند؛ سپس با همتای خود در این زمینه بحث کنند؛ و آنگاه در بحث کلاسی شرکت کنند. زمان فکر کردن در انتهای جلسه، راه مفیدی برای مرور نتایج و اندیشیدن دربارهٔ این روند است. بعضی معلمان، کتاب فکر کردن (نشریه، دفترچه یا دفتر یادداشت) به بچه‌ها می‌دهند تا افکار، احساسات و نظرهای خود را دربارهٔ جلسه، در قالب کلمات و تصاویر، در آن ثبت کنند. این دفتر می‌تواند یک دفتر یادداشت روزانهٔ خصوصی باشد یا معلم یا دیگران هم مشترکاً از آن استفاده کنند.

در مراحل اولیهٔ یک گروه تحقیق ممکن است نیاز باشد که معلم رویکرد هدایتگر داشته باشد و بر بحث سلطه نداشته باشد. سعی کنید ضمن قدردانی از سهم هر کس در ارائهٔ نظر، از عقاید خود به‌طور مقتصدانه استفاده کنید. با واکنش نشان دادن در برابر پاسخ‌های دانش‌آموزان به روشی غیرارزیابانه، از قضاوت کردن بپرهیزید. از دیگران بخواهید واکنش نشان دهند؛ برای مثال بگویید: «چه کسی با آنچه X گفته، موافق یا مخالف است؟»، «چه کسی می‌تواند آنچه را X گفته است، خلاصه کند؟»، «چه کسی مایل است پاسخ دهد؟».

داستان‌هایی برای بحث: تشکیل گروه

از جمله راه‌های تشکیل گروه این است که سعی کنید بچه‌ها را وادار کنید:

- با هم صحبت کنند، نه اینکه همیشه از کانال شما حرف بزنند؛
- موقع جواب به گوینده، رو به او کنند؛
- آنچه را می‌گویند، با تفسیر نفر قبل مرتبط کنند؛ برای مثال، بگویند: «من با... موافق/مخالفم...».
- برای آنچه می‌گویند، دلیل بیاورند؛
- به حرف‌های کسی که صحبت می‌کند، به دقت گوش کنند.

نقش معلم در گروه تحقیق پیچیده است؛ و جای شگفتی نیست که درگیر کردن بچه‌ها به یک بحث واقعی درباره موضوعات مورد توجه و مهم، یکی از سؤال برانگیزترین وظایف تدریس است. اگر می‌خواهیم بچه‌ها خودشان فکر کنند، باید آنها را وادار کنیم که با هم فکر کنند. گروه، مستلزم فعالیت همیارانه است؛ و اگر می‌خواهیم فرزندانمان روح تعاون داشته و شهروندانی مسئول و متفکر باشند، این فعالیت بیشترین اهمیت را دارد.

فلسفه برای کودکان

بچه‌ها و معلمشان، با هم می‌خوانند و گوش می‌دهند. بچه‌ها زمانی را برای فکر کردن صرف می‌کنند تا سؤال‌های خود را طرح و درباره آنها بحث کنند. گروه مرتب همدیگر را می‌بینند. سؤال‌ها عمیق‌تر و متفکرانه‌تر، و بحث‌های شاگردان منضبط‌تر و متمرکزتر و در عین حال ابتکاری‌تر می‌شود. و این نشان می‌دهد که یک گروه پژوهش فلسفی چگونه شکل می‌گیرد.

هدف از پژوهش فلسفی، کمک به بچه‌ها است که مهارت‌ها و منش خود را رشد دهند تا بتوانند نقش خود را در یک جامعه کثرت‌گرا به طور کامل ایفا کنند. پژوهش فلسفی می‌تواند خودباوری و اطمینان فکری بچه‌ها را بالا ببرد؛ و هدف از آن، ایجاد یک موقعیت

کلاسی دقیق است که در آن بچه‌هایی آموزند:

- مسائل مورد علاقه شخصی را کشف کنند، مسائلی مثل عشق، دوستی، مرگ، زورگویی، و انصاف، و مسائل فلسفی کلی‌تر مثل هویت شخصی، تغییر، حقیقت و زمان؛

- نظرهای خود را ابراز و نظرهای دیگران را کشف کنند و به زیر سؤال ببرند؛
- در تفکر خود شفاف باشند، و براساس دلایل، قضاوت‌های متفکرانه کنند؛
- به حرف‌های هم‌گوش کنند و به همدیگر احترام بگذارند؛
- لحظات آرامی برای فکر کردن و تعمق داشته باشند.

پژوهش فلسفی، بچه‌ها را به بحث عمومی درباره معانی و ارزش‌ها وارد می‌کند؛ و آنان را تشویق می‌کند که فکر کنند عقلانی بودن یعنی چه، و قضاوت‌های اخلاقی کنند. چنین بحث‌هایی فقط «حرف زدن‌های خودمانی و محفلی» نیست؛ بلکه این بحث‌ها کمک می‌کند تربیت اخلاقی، فکر کردن و کار کردن با هم شکل بگیرد که نتیجه آن، فضایل رفتاری مثل احترام به دیگران، صمیمیت و گشاده‌فکری است. در طی پژوهش فلسفی، بچه‌ها ترغیب می‌شوند از طریق بحث با دیگران، روش خود را برای بیان مقاصد خود پیدا کنند.

پژوهش فلسفی را در بسیاری از بافت‌ها و با دانش‌آموزانی از هر سن می‌توان انجام داد. جلسات فلسفی در مدرسه می‌تواند به برنامه‌های آموزش شخصی و اجتماعی و نیز رشد مهارت‌های زبانی کمک کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با پژوهش فلسفی، به عنوان بخشی از رویکرد کلی به زبان و قدرت خواندن و نوشتن، می‌توان مهارت‌های خواندن و درک مطلب بچه‌ها را بهبود داد. پژوهش در فلسفه برای بچه‌ها در بیش از سی کشور انجام گرفته است. در انگلستان، شبکه‌هایی از معلمان وجود دارد که طرح‌ها و مطالب جدید ارائه می‌دهند. داستان‌هایی برای فکر کردن، حاصل چنین طرح‌هایی است: طرح فلسفه در مدارس ابتدایی که در مدارس غرب لندن پیاده شده است. برای اطلاع بیشتر درباره فلسفه برای کودکان، به منابعی که در زیر فهرست شده است، مراجعه کنید.

بچه‌ها فکر می‌کنند چه چیزهایی از فلسفه بیاموزند؟ پاسخ به این سؤال البته متفاوت است از بچه‌ای که می‌گوید «از فلسفه سردرد می‌گیرم» تا بچه‌ای که جواب می‌دهد «به نظر من، فلسفه فکر را باز و زیاد می‌کند؛ چرا که به شما فرصت فکر کردن می‌دهد». همین فرصت فکر کردن است که همه ما — بزرگ و کوچک — به آن نیاز داریم.

منابع دیگر برای مطالعه در این زمینه

- Cam, P (1995), *Thinking Together*. Sydney: Hale & Iremonger
- Cam, P (ed) (1993), *Thinking Stories: Philosophical Inquiry for Children*, Hale & Iremonger
- Coles, MJ, & Robinson, WD (1991), *Teaching Thinking*, London: Duckworth
- Fisher, R (1990), *Teaching Children to Think*, Cheltenham: Stanley Thornes
- Fisher, R (1995), *Teaching Children to Learn*, Cheltenham: Stanley Thornes
- Fisher, R (1997), *Games for Thinking*, Oxford: Nash Pollock
- Fisher, R (1997), *Poems for Thinking*, Oxford: Nash Pollock
- Fisher, R (1998), *Teaching Thinking: Philosophical Enquiry in the Classroom*, London: Cassell
- Fisher, R (in press), *Head Start: How to Develop Your Child's Mind*, London: Souvenir Press
- Fisher, R (in press), *First Stories for Thinking*, Oxford: Nash Pollock
- Lipman, M (1988), *Philosophy Goes to School*, Philadelphia:

Temple University Press

Lipman, M (1993), *Thinking Children and Education*, Iowa: Kendall/Hunt

Matthews, GB (1980), *Philosophy and the Young Child*, London: Harvard University Press

Murris, K (1992), *Teaching Philosophy with Picture Books*, London: Infonet Publications

Sprod, T (1993), *Books into Ideas*, Hawker Brownlow Education

Sutcliffe, R (1993), *Harry Stottlemeier's Discovery*, a British version of Matthew Lipman's Philosophical novel for children